

خانواده

و

بنیان حقوق کودک

مدیر علمی

مسأله بهداشت روانی «انسان» و «جوامع انسانی» از محوری‌ترین موضوعاتی است که نه تنها توجه اندیشمندان هر ملتی را به خود معطوف داشته و با نگرشهای متعدد بر پایه ارزش‌گرایی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته، بلکه در محافل بین‌المللی هم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است. زیرا تکامل مادی و معنوی، نظری و عملی، انسانها در گرو توجه تام به این اصل راهبردی است.

عبارت «خود را بشناس» مبنای تفکر بسیاری از فیلسوفان یونان باستان چون سقراط و فیثاغورث بود و حکما و فلاسفه اسلامی هم اعم از مشاء و اشراق بر مبنای اندیشه اسلامی، در نظرات فلسفی و عرفانی خویش، توجه ویژه‌ای به مسأله «انسان‌شناسی» و جایگاه مهم آن داشته‌اند.

بهداشت روانی از دیدگاه مکتب ارزشمند اسلام از علم «معرفة النفس» شروع می‌گردد و خودشناسی کلید خدا شناسی و نقطه آغازین برای دریافت معارف فقه است. «و من عرف نفسه فقد عرف ربه» از ویژگیهای خاص معرفت یابی در این مکتب است. خویشی که به رغم سکونت در عالم خاک، با افلاکیان مانوس و یادآور آمیختگی عالم ملکی با حقایق

عالم ملکوت است. خویشتنی که در مرتبه «اسفل السافلین» وجود، رسالت تحقق «احسن تقویم» را دارد تا بیانگر زیبایی «تبارک الله احسن الخالقین» باشد. مربی و کردگار هستی نه تنها انسان را در مقام تکوین از نعمت «خلق فسوی» و «قدر مهدی» برخوردار ساخته، بلکه در نظام تشریح به بسط حق و اعتدال و تناسب در اندیشه و رفتار فرا خوانده است تا بر پایه کرامت انسان و مصلحت جامعه، به استقرار امنیت و آرامش در زندگی فردی و اجتماعی اهتمام ورزد و پایه‌های قسط و عدل را در سلوک اجتماعی استحکام بخشد و روابط انسانی را بر پایه انس و الفت، و رحم و مروت گسترده سازد؛ این یک نیاز فطری است که در تمامی مکاتب برای انسانهای پاسدار امنیت و صلح مسأله مهم محسوب می‌گردد.

در نوشته‌های «مازلو»^۱ دانشمند و روانشناس غرب نیاز به «تحقق خویشتن» در رأس هرم نیازهای انسانی و عالی‌ترین نیاز اوست. نیازهایی چون دانستن و فهمیدن و آگاهی از محیط و حقوق انسانها می‌تواند راهی نو فرا روی انسان قرار دهد، ولی در این راستا خود باوری و پذیرش شخصیت حقیقی می‌تواند عاملی برای رشد و تکامل متعادل باشد. لذا بدون خود باوری مثبت، رشد روان شناختی متوقف می‌گردد.

«ارکان خودباوری»^۲ را شاید بتوان این گونه تبیین نمود:

۱- آگاهانه زیستن و تلاش برای درک علایق، ارزشها و حقوق انسانها

۲- خویشتن پذیر بودن^۳ یعنی پذیرفتن و آزمون بدون رد و انکار واقعیت افکار که در برخی موارد می‌تواند سازنده باشد.

۳- خود مسؤولی^۴ یعنی درک این واقعیت که ما مسؤول اعمال و رفتار خودمان هستیم؛ باید در مسیر تکاملی انسانی قرار گیریم و مسؤولیت پذیر و آینده ساز خویش باشیم.

۱ - Maslow, Abraham از مؤسسان روانشناسی انسان گرا در زمان معاصر است؛ او در

سال ۱۹۸۰ چشم از جهان فروبست.

2 - The Six Pillars of Self-Esteem

3 - Self-accepting

4 - Self-responsible

۴- خود تأییدی یعنی احترام به خواسته‌ها و نیازهای خود و تلاش برای رسیدن به خود واقعی و شناساندن آن به مردم.

۵- هدفمند زیستن و تعیین اهداف و آرمانها در مسیر زندگی

۶- با صداقت زیستن یعنی وفاداری به اصول رفتاری در عمل و هماهنگی بین آنچه می‌دانیم و آنچه ادعا می‌کنیم یا انجام می‌دهیم. به عبارت دیگر از منظر حقوقی عمل به تعهداتمان در برابر خود و افراد جامعه که تحقق این امور ریشه در وراثت و تربیت و محیط زندگی انسانها دارد و خانواده اولین دانشگاه در جهت دهی به سوی این آرمانهای اساسی است.

باید بدانیم مدیریت فردا به دوش مردان و زنان خودباوری است که در مسیر معرفت و شناسایی حقوق حقه خود و آحاد جامعه بر مبنای تفکری ارزشمدار و توحیدی تلاش نموده و وارد عرصه عمل شده‌اند. این خودباوری در جستجوی چالش و انگیزش ناشی از اهداف ارزشمند و والاست. چرا که خودباوری دو جزء دارد: ۱- کارآمدی شخصی^۱ ۲- عزت نفس^۲ یعنی اعتقاد به اینکه دستیابی به اهداف، موقعیت‌ها، دوستی‌ها و با عشق زیستن‌ها در شأن و توان ماست. آنچنانکه مولوی گوید:

الحذر ای مؤمنان کان در شماست در شما بس قدرت بی‌متهاست
همانگونه که ذکر شد مناسبات میان اشخاص^۳ در تفکر آدمی مقام مهمی دارد و گرایش فرد به تعاملات اجتماعی و رعایت موازین حقوقی که زیباترین شکل آن «خانواده» است، گرایشی ذاتی است.

خانواده نخستین کانون و محیط اجتماعی است که دو نسل «بارور» و «نورسته» آنجا در کنار هم با صفا و صمیمیت به زیستن، تعامل و ارتباط عمیق زندگی می‌پردازند و کودک خود را تحت سرپرستی و تربیت قرار می‌دهند. مهم‌ترین وظیفه خانواده در درجه اول

1 - Self - efficacy

2 - Self - respect

3 - Herpersonal relation

شناخت درست مراحل رشد کودکان^۱ و در درجه دوم شناسایی موانع و رفع آنها و در درجه سوم دریافت راهکارهای مناسب می‌باشد.

مادر امروز همان کودک دیروز است که در دامن مادری دیگر رشد کرده و زمینه‌های پرورش نسل بعد جامعه را فراهم آورده است. کودکان سرمایه‌های ارزشمند و سازنده آینده جامعه هستند و توجه به مشکلات و معضلات حقوقی آنان باعث ترقی ارکان جامعه می‌گردد. تمامی تلاش انبیاء علیهم السلام برای این بود که افراط گرایی را از شیوه‌های عملکرد افراد بزدایند. و انسانها را با حقوق حقه خود آشنا سازند وقتی یک کودک از اوان کودکی با حقوق کودکان هم سن خود آشنا شد و چگونه زیستن در کنار انسانها را تجربه نمود، یقیناً فردا نیز در جامعه به کلیه تعهدات و وظایف خود واقف خواهد بود.

با نگاهی به قوانین و حقوق کودک در اسلام در می‌یابیم که اسلام مصالح کودک را فراتر از مصالحی می‌داند که در کنوانسیونهای^۲ حقوق کودک بیان شده است. بعنوان مثال کنوانسیون حقوق کودک، آغاز کودکی را از بدو تولد می‌داند، در حالیکه در تعالیم اسلام حقوق کودک نه تنها از زمان انعقاد نطفه بلکه از همان زمان انتخاب همسر برای والدین تصویر می‌شود. زیرا خانواده تبلور حقوق فردی و اجتماعی است. در کانون خانواده مرد و زن رعایت موازین اخلاقی - حقوقی را در کنار هم می‌آموزند و می‌آموزانند و به تعبیر قرآن کریم هر یک از زن و مرد اگر عمل صالحی انجام دهد به حیات طیبه ابدی نائل می‌شود: «من عمل صالحا من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیاة طیبه» (نحل، ۱۹).

نمود خارجی این حیات طیبه شأنیت و منزلت یکایک افراد خانواده بویژه کودکان است. محور درون سیستمی خانواده شامل ساختار اجتماعی توزیع نقش، توزیع پایگاه و منزلت پویای اجتماعی، اقتصادی و از همه مهمتر پویایی نگرش و ارزشهاست. این محور بوجودآورنده نظم و تعادلی است که از آن به بهداشت روانی خانواده یاد می‌شود. محور

۱ - مراحل رشد کودکان عبارتند از: رشد جسمانی، رشد حسی حرکتی، رشد ذهنی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی، رشد اخلاقی و...

۲ - کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ میلادی اعلامیه حقوق کودک را به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسانید و از ۱۹۹۰ لازم الاجرا گردید.

برون سیستمی خانواده پیرامون محیط خانواده به بحث می‌پردازد. در نظام حقوقی و قانونی ما خانواده شخصیت حقوقی ندارد و لیکن در حفظ و گسترش قدرت ملی، توسعه فرهنگی - اعتقادی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و نه تنها مکتب آموزش تعادل و فداکاری است، بلکه کانونی هم برای حمایت از انسان، حقوق انسانی و تربیت آنها می‌باشد. این اهمیت اجتماعی باید محرک قانونگذار در حمایت از آن باشد؛ زیرا در یک نظام اسلامی متون حقوقی و قوانین مصوب پشتوانه مفاهیم و مبانی فقهی استنباط و استخراج می‌گردد. امروزه که تمدنهای حامی مدرنیته ندای حق‌خواهی سر می‌دهند، جامعه دینی متبلور از فقاقت و مکتب حقوقی اسلام نیز باید پاسخگویی جامعه بشری باشد؛ زیرا در مسیر تطور اندیشه‌ها و مکاتب فقهی، اندیشمندان پایه‌گذار مبانی حقوقی اسلامی نیز بوده‌اند. امید است ما نیز در تبلور و شکل‌گیری این رسالت بزرگ که همانا تبیین، ترویج و تنویر افکار عمومی در جهت آشنایی با انوار قدسیه الهی و اهل بیت علیهم‌السلام است، بتوانیم گامی برداریم و جایگاه، منزلت و کیان خانواده و تربیت نسل آینده را تبیین نماییم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی